

تحلیلی بر مفهوم قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری

محمدحسن صادقی مقدم^۱، رضا عربزاده^{۲*}

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۹ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳)

Analysis of the Concept of Public Domain

Mohammad Hassan Sadeghi Moghadam¹, Reza Arabzadeh^{*2}

1. Professor of Private Law Department, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Ph.D. Student in Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

(Received: 30/May/2019

Accepted: 03/May/2023)

Abstract

This article has introduced the public domain, the intellectual works which are not in protection of intellectual property. In other word, by analyzing this concept has tried to clarify its position and importance. Public domain attempts to cause balance among the rights of authors, society and third parties. Although the public domain has a long history in intellectual property law, but unfortunately little attention has been theorists and decision-makers in this very important field. While the public domain can play an important role in the free flow of information, increase public information, the achievement of a democratic society, creating an atmosphere for the development of creativity, broad access to cultural heritage, development of public health and safety. The analysis of this concept reviewed in three section. First, the literal and technical review is considered. After that, has compared the public domain with other similar concepts of public property, state property, Anfal (an Islamic concept), permissible and common heritage of mankind. Eventually, next section has introduced the most important examples of public domain in different legal systems, while expressing its uncountable.

Keywords: Public Domain, Intellectual Property, Protectable, Public Property, The Common Heritage of Mankind.

چکیده

در نوشتار حاضر به معرفی نهاد قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری پرداخته شده است. به عبارتی با تحلیل این نهاد سعی شده است جایگاه و اهمیت آن روشن گردد. قلمرو عمومی در تلاش برای ایجاد تعادل و توازن میان حقوق صاحبان اثر، جامعه و اشخاص ثالث است. اگرچه قلمرو عمومی پیشینه‌ای طولانی در ادبیات حقوق مالکیت فکری دارد لکن متأسفانه کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان و تصمیم‌گیرندگان این عرصه قرار گرفته است. در حالی که قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری نقش بسزایی در گردش آزاد اطلاعات، بالا رفتن اطلاعات عمومی، نیل به یک جامعه دموکراتیک، ایجاد فضایی برای رشد و نمو خلاقیت‌ها، دسترسی گسترده به میراث فرهنگی، توسعه سلامت و امنیت عمومی بازی می‌کند. بررسی نهاد مذکور از سه طریق و در قالب سه گفتار مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا بررسی لغوی و اصطلاحی، مورد توجه قرار گرفته است. پس از آن، به مقایسه قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری با سایر نهادهای مشابه شامل اموال عمومی، اموال دولتی، انفال، مباحات و میراث مشترک بشریت پرداخته است. در نهایت گفتار بعدی ضمن بیان غیر قابل احصا بودن، مهم‌ترین مصادیق قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری را به صورت تطبیقی معرفی نموده است.

کلیدواژه‌ها: قلمرو عمومی، مالکیت فکری، قابل حمایت، اموال عمومی، میراث مشترک بشری.

مقدمه

بیش از دو قرن از زمانی که قضات پرونده دونالدسون بر علیه بکت^۱، بر خلاف رویه قضایی انگلستان و به استناد قانون آن^۲، برای اولین بار در تاریخ حقوق مالکیت فکری، قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری را به رسمیت شناختند می‌گذرد. اما این نهاد، هنوز از جمله نهادهای مظلوم و مهجور، هم در ادبیات حقوق مالکیت فکری و هم در بوته عمل است. می‌توان این مسئله را برآیند نگاه افراطی موجود در نظام‌های گوناگون حقوق مالکیت فکری دانست. متأسفانه تاریخ حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهد بر خلاف استدلالات اولیه توجیه‌کنندگان این دسته از حقوق، که حمایت از پدیدآورنده، تلاش‌ها و شخصیت معنوی او را دلیل حمایت از آثار فکری می‌دانند، امروزه متمرکز بر جنبه مادی، آن هم در غالب موارد، به نفع بنگاه‌ها و کارتل‌های بزرگ اقتصادی و نه به نفع پدیدآورندگان واقعی شده، و به وضوح از فلسفه وجودی خود به دور افتاده است. از سوی دیگر با گسترش وسائل ارتباطی و تسهیل در استنساخ و بهره‌برداری از آثار فکری، گستره حمایتی مالکیت‌های فکری توسعه یافته و متقابلاً گستره قلمرو عمومی محدود شده است.^۳ این مسئله تا جایی ادامه داشته که منتقدین، این نظام حقوقی را "وسيله‌ای برای مالیات‌گیری در عصر جدید"^۴، "وسيله‌ای برای ایجاد مشکل باند بازی"، "روش سرمایه دارانه برای استثمار نظام مند کار خلاقانه"^۵، "مبنای جدید تقسیم کشورهای شمال و جنوب"^۶ و "انحصارگرایی موزیانه"^۷ شناخته‌اند.

نتیجه چنین نگاه یک جانبه‌ای نسبت به حقوق مالکیت فکری، نادیده انگاشتن اهمیت قلمرو عمومی آفرینش‌های

فکری بوده است. این در حالی است که قلمرو عمومی، نقشی برجسته در گردش آزاد اطلاعات، بالا رفتن اطلاعات عمومی، نیل به یک جامعه دموکراتیک، ایجاد فضایی برای رشد و نمو خلاقیت‌ها، دسترسی گسترده به میراث فرهنگی، توسعه سلامت و امنیت عمومی و غیره دارد. (Samuelson, 2006: 22) اهدافی که در فحوی قوانین اساسی بسیاری از کشورها دیده می‌شود. از جمله بند دوم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که تحت عنوان «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها...» به عنوان یکی از وظایف دولت آمده است.

بی تردید از چنین زاویه دیدی، قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری نقشی همانند میراث مشترک بشریت ایفا نموده و هر چه بیشتر در دسترس عموم قرار گیرد بیش از پیش شاهد عدالت در دسترسی به اطلاعات خواهیم بود. لکن متأسفانه نفوذ نظام سرمایه‌داری، کمتر مجالی برای شکوفایی قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری باقی گذارده است. چنان‌که روز به روز شاهد گسترش حقوق مالکیت فکری، به لحاظ افزایش دوره‌های حمایتی، گسترش قلمروهای حمایتی و گسترش مصادیق آثار قابل حمایت هستیم.

این نگاه افراطی در حمایت از گسترش حقوق مالکیت فکری، بی پاسخ نبوده و در نتیجه در این عصر جنبش‌های فکری گوناگونی در پاسخ به تضییع حقوق عموم مردم توسط حامیان حقوق مالکیت فکری به وجود آمده‌اند. جنبش‌هایی همچون تعارض اجتماعی حقوق ادبی^۸، جنبش جنگ ادبی^۹، جنبش اینفو آنارشیست‌ها^{۱۰}، جنبش ضد کپی رایت^{۱۱}، جنبش کپی لفت^{۱۲} و جنبش نرم افزارهای آزاد^{۱۳} که از مهمترین نحله‌های فکری فوق است.^{۱۴}

نکته‌ای که در اینجا قابل تامل است آنکه، طرفداران گسترش قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری، مخالف نظام‌های حمایتی حقوق مالکیت فکری نبوده^{۱۵} بلکه منتقد گسترش بی

1. Donaldson v. Becket, 1 Eng. Rep. 837 (1774)

2. Statute of Anne

3. Halbert, Debora J, *Resisting Intellectual Property*, New York, Routledge Publication, 2005, p14.

۴. دراهوس، پیتر، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت نیا، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۸

۵. همان، صص ۲۷۰-۲۷۱

۶. ر.ک ساعی، احمد و گیاه شناس، جواد، بررسی تاثیر حقوق مالکیت فکری بر روابط شمال-جنوب، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، شماره نهم، زمستان ۱۳۸۸.

7. Salzberger, Eli M "Economic Analysis of The Public Domain", published in "The Future of The Public Domain", Kluwer Law International Publication, 2006, p52.

8. Copyright Social Conflict

9. Copyfight Movement

10. Infoanarchists Movement

11. Anti Copyright Movement

12. Copyleft Movement

13. Free Software Movement

۱۴. اطلاعات بیشتر ر.ک جعفری تبار، حسن، ملک معنی در کنار؛ گفتاری در فلسفه حقوق مالکیت فکری، فصلنامه حقوق، دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۶، زیرنویس ص ۷۶.

۱۵. البته برخی معتقدند تنها چیزی که راجع به قلمرو عمومی

حمایتی گوناگونی برای این دسته از آثار پیش بینی نمایند.

اصطلاح شناسی قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری

همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری^۴ به حوزه‌ای از آثار و محصولات فکری اطلاق می‌گردد که مورد حمایت هیچ یک از نظام‌های حقوق مالکیت فکری قرار ندارد. (Boyle, 2003: 1) اگرچه این اصطلاح مربوط به ادبیات حقوق مالکیت فکری است اما برخی معتقدند این اصطلاح هم زمان با شکل‌گیری مفهوم حوزه عمومی^۵ توسط یورگن هابرماس^۶ به وجود آمد. (Rose, 2003: 76)

در ابتدا این اصطلاح تنها برای خلاقیت‌های فکری به کار می‌رفت که مدت حمایت از آنها منقضی شده بودند. (Salzberger, 2006: 27) سپس برای محدودیت‌های قانونی حقوق مالکیت فکری همچون "استفاده منصفانه"^۷ نیز به کار رفت و امروزه برای هرگونه اطلاعات قابل دسترس عموم به کار می‌رود.

به طور کلی برخی معتقدند قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری به عرصه‌ای از محصولات فکری اطلاق می‌شود که قابلیت تملیک ندارد. برخی دیگر قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری را عرصه‌ای می‌دانند که قابل کنترل توسط هیچکس را نیست.^۸

در فرهنگ‌های حقوقی گوناگون ترجمه‌های گوناگونی از این اصطلاح شده است. به طور مثال در یکی از فرهنگ‌های حقوقی ترجمه‌های ذیل آمده است: «ملک خالصه؛ اموال عمومی؛ مشترکات عمومی؛ در دسترس همگانی (از قبیل اختراعات و تصنیفات فاقد حق تقلید و چاپ)» (رفیعی، ۱۳۸۶: ۴۱۸) در فرهنگ دیگری این اصطلاح به «خالصه، خالصات» ترجمه شده است. (کشاورز، ۱۳۶۶: ۱۹۰) همچنین در یکی از فرهنگ‌های حقوقی پس از ترجمه این اصطلاح به "مالکیت عموم" آمده است: «آن دسته از آثار و اشیاء موضوع حقوق

حد و حصر این دسته از حقوق هستند. به عبارت دیگر در پاسخ به نگاه افراطی موافقان حقوق مالکیت فکری و نگاه تفریطی مخالفان آن، حامیان تقویت قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری به عنوان یک سنتز ظهور کرده و معتقد است آنچه نیازمند آن هستیم، بررسی مبانی نظری حقوق مالکیت فکری و قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری و ترسیم نظام‌های حمایتی معتدل و به دور از افراط و تفریط است که حداکثر میزان حقوق خواص تولید کنندگان محصولات فکری و عوام مصرف کنندگان این محصولات را برآورده سازد. (Halbert, 2005: 34) این مسئله از آن روست که قلمرو عمومی به عنوان بخشی از مالکیت فکری مطرح است نه زباله دان مالکیت فکری. (Birnhack, 2006: 60) به عبارت دیگر نقشی که قلمرو عمومی ایفا می‌کند همانند نظام "حقوق رقابت" است یعنی وسیله‌ای است برای ایجاد توازن بین حقوق تولید کننده و مصرف کننده. (Samuelson, 2006: 20) متأسفانه ایراد اساسی حقوق مالکیت فکری مدرن، عدم وجود توازن بین آثار مورد حمایت و قلمرو عمومی است. با این توضیح که آثار مشمول حمایت، در بسیاری از کشورها دارای ضمانت اجرای کیفری، حق استفاده از قرار منع و... است در حالیکه چنین حمایتی برای آثار موجود در قلمرو عمومی وجود ندارد. (Mazzone, 2006: 1035) لذا همین عدم حمایت مناسب از آثار موجود در قلمرو عمومی، موجبات سوءاستفاده^۱ از این آثار را فراهم می‌آورد. از مهم‌ترین مصادیق سوء استفاده از این دسته آثار می‌توان به ایجاد مانع برای استفاده سایرین، ادعای دروغین مورد حمایت بودن اثر، مطالبه حمایت مجدد برای تهیه مجموعه آثار غیر قابل حمایت و... اشاره کرد، که این دسته اقدامات با عنوان تقلب در نسخه برداری^۲ شناخته می‌شود. این مشکل تا جایی است که متأسفانه برخی سوءاستفاده‌گران، اصل را بر حمایت از آثار می‌دانند.^۳ در همین راستا انتظار می‌رود سیاست‌گذاران این عرصه، ساز و کارهای

وجود دارد مخالفت با حقوق مالکیت فکری است نه دفاع از ماهیت و محتوای قلمرو عمومی. در این خصوص رک:

Halbert, Debora J. op.cit. p17

1. Copyfault

2. Copyfraud

۳. استفاده از جملات و اصطلاحاتی همچون: When in doubt,

cut it out و Pay or cut dilemma ظهور در وجود این تفکر

نادرست دارد.

4. Public Domain

از این اصطلاح در زبان عربی با عنوان المجال العام و در زبان فرانسه با عنوان doamaine public یاد می‌شود.

5. Public Sphere

6. Jürgen Habermas

7. Fair Use

۸ جهت مطالعه بیشتر رک:

Koelman, Komiel.J, op.cit, p 105.

به گواه تاریخ، این اصطلاح از ریشه فرانسوی‌اش، (Halbert, 2005: 19) سپس وارد ادبیات حقوقی ایالات متحده شده، و در خصوص زمین‌ها و اماکن عمومی به کار می‌رفت. Boyle, 2003, p.58) برخی ریشه استعمال این اصطلاح در حقوق مالکیت فکری را زمانی می‌دانند که حمایت موقت از آثار جای حمایت دائمی را گرفت. (Ross, 1992: 26)

اولین بار که این اصطلاح در خصوص حقوق مالکیت فکری به کار رفت به سال ۱۷۷۴ میلادی و در جریان پرونده دونالدسون بر علیه بکت^۲ بر می‌گردد.^۳ با این توضیح که قانون آن^۴ مصوب ۱۷۰۹ میلادی برای اولین بار موقتی بودن حمایت از آثار فکری را رسماً پذیرفت، لذا پس از این دوره، حق انحصاری مولف منقضی شده و اثر به عموم مردم تعلق می‌یافت.^۵ بدیهی است به دلیل اینکه تنها قانون موجود در حمایت از آثار و محصولات فکری همین قانون بود، هر اثری که تحت حمایت این قانون قرار نداشت متعلق به عموم بود. (Ginsburg, 2006: 7) در این قانون چهار ضابطه برای حمایت از آثار مورد نظر بود: تصریح به قابلیت حمایت در قانون، رعایت قواعد شکلی، حمایت صرفاً طبق حقوق انحصاری شناخته شده در قانون و حمایت در یک دوره زمانی موقت. (Ibid) علی‌رغم وجود این قانون، در پرونده معروف میلر بر علیه تیلر^۶ و به سال ۱۷۶۹ قضات این پرونده با استناد به مفهوم مالکیت کامن لایی، که دوام را از شروط

مرتبط که همه می‌توانند بدون اینکه نیاز به اجازه از کسی باشد و بدون پرداخت حق‌الزحمه از آنها استفاده و بهره برداری نمایند. این امر به عنوان یک قاعده می‌تواند به دلیل خاتمه مدت حمایت آنها یا به دلیل نبودن پیمان بین المللی تضمین کننده حمایت آنها در کشور مورد نظر باشد.» (میرحسینی، ۱۳۸۵: ۱۸۸) در جای دیگر آمده است: «خلاصیت‌هایی (مخلوق‌هایی) که ابتدائاً موضوع حمایت حقوق مالکیت فکری نبوده‌اند.» (Salzberger, 2006: 28) این تعریف به وضوح قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری را به واژه مشترکات^۱ نزدیک می‌کند. در حقوق فرانسه از این گونه آثار با عنوان "منابع اطلاعاتی غیر قابل حمایت" یاد می‌کنند. (Samuelson, 2006: 7) در نهایت یکی از نظریه پردازان حقوقی اظهار می‌دارد به دلیل گستردگی و غیر قابل احصا بودن قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری، ارائه تعریفی دقیق از این نهاد حقوقی غیرممکن است. (Boyle, 2003: 62)

جدای از اصطلاحات ملک خالصه، اموال عمومی، مشترکات عمومی، خالصه و مالکیت عموم که در بالا آمد می‌توان از اصطلاحات حوزه عمومی، حوزه عام، قلمرو عمومی و قلمرو عام نیز استفاده نمود. کلیه عبارات فوق‌الذکر با این ایراد مواجهند که در بادی امر بیانگر ارتباطشان با حقوق مالکیت فکری نیستند. فلذا از این حیث همگی ناقص به نظر می‌رسند.

اصطلاح فوق‌الذکر به دو واژه public و domain منقسم می‌گردد. واژه public در همه جا به عمومی یا عام یا عامه ترجمه شده است و واژه domain را می‌توان به حوزه یا قلمرو ترجمه نمود. بر این اساس کلیه اصطلاحاتی که از واژه‌هایی غیر از موارد مذکور تشکیل شده‌اند قابل ایراد به نظر می‌رسند. در این بین استفاده از حوزه عمومی یا حوزه عام به دلیل اینکه واژه‌هایی مربوط به حقوق عمومی هستند و برای جلوگیری از خلط بحث، استفاده نشده‌اند فلذا از اصطلاحات قلمرو عمومی یا قلمرو عمومی استفاده شده‌اند. لکن همانطور که گفته شد برای آنکه ارتباط این اصطلاحات با حقوق مالکیت فکری روشن باشد از پسوند مالکیت فکری هم استفاده شده است. بر این اساس از این پس، اصطلاح قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری مورد استفاده قرار می‌گیرند.

2. Donaldson v. Becket, 1 Eng. Rep. 837 (1774)

۳. پیش از این و در اوایل قرن هجدهم اصطلاحاتی همچون Publici Juris یا آنچه در نظام حقوقی فرانسه استفاده گردید یعنی Propriete Publique دیده می‌شود که البته دقیقاً معادل Public Domain نمی‌باشد. ر.ک:

Ginsburg, Jane, (2006) 'Une Chose Publique'? The Author's Domain and The Public Domain in Early British, French And US Copyright Law, Columbia Law School, p. 1-2

4. The Statute of Anne "An Act for the Encouragement of Learning, by Vesting the Copies of Printed Books in the Authors or Purchasers of such Copies, during the Times therein mentioned".

۵. دوره حمایت از آثار طبق قانون آن ۱۴ سال بود.

6. Millar v. Taylor, 98 Eng. Rep. 201, 252 (1769)

۷. برای اطلاعات بیشتر ر.ک دراهوس، پیتیر، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۱صص ۱۲۹ تا ۱۳۱.

آفرینش‌های فکری در ارتباط با دیگر مفاهیم مشابه پردازیم. لذا با این توضیح که، چون مقررات کامل و جامعی در خصوص نهاد قلمرو عمومی وجود ندارد چاره‌ای جز تطبیق با نهادهای سنتی وجود ندارد. همچنین درک درست ماهیت و چیستی قلمرو عمومی و مبانی نظری آن بی شک به شناخت نهادهای سنتی و جایگاه هر یک از آنها بستگی کامل دارد. لذا به مقایسه آن با نهادهای موجود در حقوق سنتی می‌پردازیم.

۱. اموال عمومی^{۴۳}

اموال عمومی (مشترکات) که از آن با عنوان مشترکات عمومی هم یاد می‌شود، اموالی است که برای استفاده تمام مردم فراهم شده و مالک خاصی برای آنها وجود ندارد. همچون پلها، معابر عمومی، کاروانسراها، مساجد و غیره (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۵ و صفائی، ۱۳۸۶: ۱۴۰)

ماده ۲۴ قانون مدنی راجع به این اموال اشعار می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند طرق و شوارع عامه و کوچه‌هایی را که آخر آنها مسدود نیست تملک نماید.»

ماده ۲۵ همین قانون نیز در تکمیل مقررات اموال عمومی اعلام می‌دارد: «هیچکس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد از قبیل پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان گاههای عمومی، تملک نماید و همچنین است قنوات و چاههایی که مورد استفاده عموم است»

از تفاوت‌های این دسته از اموال نسبت به اموال خصوصی می‌توان به عدم وجود وصف انحصاری بودن در این اموال اشاره کرد. توضیح این که در این دسته از اموال بر خلاف اموال خصوصی اشخاص حق منع دیگران را ندارند. (خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۳۶۶) البته برخی از حقوقدانان مخالف این نظر هستند و معتقدند در اموال عمومی نیز وصف انحصاری بودن وجود دارد با این توضیح که اگر جامعه را به عنوان یک کل تجزیه نپذیرد در نظر بگیریم در چنین صورتی حاکمیت، اموال عمومی را به

مالکیت می‌داند استناد نموده، به ورود اثر پدیدآورنده به قلمرو عمومی توجه نمود. این رای موجب به وجود آمدن رویه قضایی شد و پس از آن در پرونده‌های متعددی استدلال‌های قضات پرونده مذکور به کار رفت. لکن در پرونده دونالدسون بر علیه بکت، مجلس لردها، با استناد به قانون آن نظر بر موقتی بودن حمایت از آثار فکری، و در نتیجه ورود آثار به قلمرو عمومی پس از دوره حمایتی داد. (Rose, 2003: 77)

در حقوق فرانسه اولین استفاده از این اصطلاح در حقوق مالکیت فکری به فرمان فرانسوی ۱۳ ژانویه ۱۷۹۱^۱ بر می‌گردد. طبق این قانون مدت زمان حمایت از آثار ادبی و هنری، معادل طول عمر پدیدآورنده بعلاوه پنج سال بود. در این فرمان به صراحت به رسمیت شناختن قلمرو عمومی آفرینش-های فکری همانند به رسمیت شناختن حق پدیدآورنده اثر هنری مورد اهمیت یاد شد. (Guibault, 2006: 89) اما نگاه غالب حقوقدانان تا آن زمان در این خصوص، صرفاً ناظر به آثاری بود که دوره حمایتی آنها منقضی شده بود. (Ginsburg, 2006: 1)

در حقوق امریکا اولین قانونی که این اصطلاح را در حقوق مالکیت فکری به کار برد قانون کپی رایت ۱۹۰۹ بود. در بخش هفت این قانون صراحتاً آثار موجود در قلمرو عمومی از نظام حمایتی کپی رایت استثنا شده است. (Cohen, 2006: 126)

در حقوق آلمان، اولین بار در سال ۱۹۵۶ دادگاه عالی فدرال آلمان اعلام کرد^۲ آثاری که دوره حمایتی آنها به اتمام رسیده است جهت استفاده عموم آزاد می‌باشد. (Peukert, 2016: 2)

در اسناد بین‌المللی، این اصطلاح اولین بار در بند ۱ و ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون برن به سال ۱۸۸۶ به کار رفته است. در همان دوران، ویکتور هوگو، در افتتاحیه نخستین کنگره انجمن هنر و ادبیات بین‌الملل، اعلام داشت قرار نیست همه آثار ادبی و هنری موضوع حمایت نظام حق مولف باشد. (Ibid)

مفهوم قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری در ارتباط با نهادهای مشابه

در این قسمت برآنیم تا در خصوص جایگاه قلمرو عمومی

3. Common Property

۴. می‌توان این اصطلاح را معادل Res و Res Communes Publicae در حقوق روم دانست. در حقوق روم به مورد اول در زمانی اطلاق می‌شود که مالی به دلیل ماهیتش عمومی است در حالی که مورد دوم بر اساس قانون عمومی شده است. لذا مورد اول برای همیشه عمومی است در حالی که مورد دوم ممکن است از عمومی بودن خارج گردد.

1. Copyright Law of January 13, 1791
2. German Federal Supreme Court Case I ZR 111/63, BGHZ 44, 288 – Apfel- Madonna (1965)

۲. اموال دولتی^۳

اموال دولتی که از آن با عنوان اموال اختصاصی دولت هم یاد می‌شود اموالی است که دولت در اختیار داشته و از باب حاکمیت عمومی از آن جهت رسیدگی به امور عمومی استفاده می‌کند همچون مالکیت بر کارخانجات، تاسیسات و ساختمان‌های دولتی. لذا گفته شده است که «حق دولت بر اموال دولتی به معنی خاص شبیه حق مالکیت افراد بر سایر اموال است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۶۵ و صفائی، ۱۳۸۶: ۱۴۲) بر همین مبناست که حقوق و تعهدات مالکین اموال خصوصی در خصوص این اموال نیز جاری است. از جمله این امور وظیفه ثبت اموال فوق‌الذکر موضوع ماده ۳۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و حق انجام کلیه معاملات راجع به اموال مذکور، در حدود قوانین است.

در ماده ۲۶ قانون مدنی راجع به این اموال آمده است: «اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات و قلاع و خندق‌ها و خاکریزهای نظامی و قورخانه و اسلحه و ذخیره و سفاین جنگی و همچنین اثاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها و کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آنها و بالجمله آنچه از اموال منقوله و غیر منقوله که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی در تحت تصرف دارد قابل تملک خصوصی نیست...».

با توجه به موارد فوق و ماده مذکور مالکیت دولتی دارای تمامی خصائص مالکیت است. به عبارتی مالکیت دولت و نهادهای زیر مجموعه دولتی بر این اموال دائمی، انحصاری و مطلق است. لذا از این حیث با مالکیت خصوصی شباهت کامل داشته و ذکر عنوان مالکیت بر آن موافق عرف ادبیات حقوقی است.

با بررسی اشتراکات و اختلافات اموال دولتی و قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری در می‌یابیم پذیرش آثار موجود در قلمرو عمومی به عنوان اموال دولتی سخت‌مورد ایراد است زیرا قلمرو عمومی حتی بدون وجود دولت هم قابل تصور است و این در حالی است که اموال دولتی مفروض بر وجود دولت هستند.

همچنین هیچ دولتی بر خلاف حقی که راجع به اموال

این کل تجزیه ناپذیر اعطا کرده، به آن حق استفاده انحصاری بخشیده و نتیجتاً دیگر جوامع را از استفاده از اموال فوق‌ممنوع کرده است. (همان: ۳۶۸) البته بدیهی است این توجیه با آنچه با عنوان وصف انحصاری از آن یاد می‌شود قابل تطبیق نمی‌باشد.

همچنین مطلق بودن مالکیت نیز در مورد اموال عمومی وجود ندارد. به این معنی که در این گونه اموال، بر خلاف اموال خصوصی که گفته می‌شود مالکین حق همه گونه تملک را دارند مگر آنچه استثناء شده باشد، در خصوص این اموال، گفته می‌شود مردم تنها حق استفاده از اموال عمومی را در همان محدوده‌ای که قانون اجازه داده است دارند. به عبارتی هرگونه استفاده از اموال عمومی نیازمند تصریح قانونگذار می‌باشد قاعده فوق‌برخلاف اموال خصوصی است که هرگونه منع از استفاده از اموال فوق‌نیازمند تصریح قانونگذار می‌باشد. به عبارت دیگر در اموال خصوصی اصل بر آزادی استفاده است و منع از استفاده نیازمند تصریح است در حالیکه در اموال عمومی اصل بر عدم استفاده است و قابلیت استفاده از این اموال نیازمند تصریح قانونی است.

برخی حقوقدانان قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری را نوعی مالکیت عمومی می‌دانند. این تحلیل هم در حقوق انگلیس و هم در حقوق امریکا وجود دارد. ریشه این استدلال به‌کار بردن اصطلاح «زمین‌های قلمرو عمومی»^۴ می‌باشد.^۵ لکن با تدقیق در این اموال و تطبیق آن با قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری در می‌یابیم آثار موجود در قلمرو عمومی را نمی‌توان به عنوان اموال عمومی دانست. زیرا اموال عمومی توسط قانون ممکن است تغییر ماهیت داده شده و به عنوان مال خصوصی درآید در حالی که آثار موجود در قلمرو عمومی چنین نیستند و هیچ‌گاه نمی‌توان اثری را که در حیطه آثار عمومی است مورد حمایت قرار داد.

همچنین نحوه استفاده از آثار موجود در قلمرو عمومی بر خلاف اموال عمومی بر اساس قانون تعیین نمی‌گردند. نتیجه آنکه در آثار موجود در قلمرو عمومی نه تنها هیچ فردی حق مداخله و تغییر ماهیت در آن را ندارد این حق از حاکمیت هم سلب شده است.

3. State Property

می‌توان اموال دولتی را معادل اصطلاح Res Universitatis در حقوق روم دانست.

1. Public Domain Land

Boyle, James, op.cit p 57

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

نامیده می‌شود مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد»
دکتر جعفری لنگرودی در تعریف مباحات آورده است:
«اشیایی که هر کس حق تملک آنها را داشته باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ش ۳۵۱۲)

بند اول از ماده ۱۴۰ قانون مدنی حیازت مباحات را به عنوان یکی از اسباب تملک دانسته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۵۹) بر این اساس هر شهروندی که با نیت تملک اقدام به وضع ید بر مباحات نماید تحت شرایطی مالک مال میاح می شود. این در حالی است که در خصوص قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری چنین قاعده ای وجود ندارد. (Rose, 93: 2003) به عبارتی نه تنها اثری که در زمره آثار عمومی است به هیچ شخص خاصی تعلق ندارد، این حالت دائمی بوده و هیچ گاه تغییر نخواهد کرد. به طور مثال ناشی که اقدام به انتشار کتابی می‌کند که مدت حمایتش به پایان رسیده است این عمل هیچ حق انحصاری برایش به ارمغان نمی‌آورد. تنها حقی که برای ناشر در چنین شرایطی متصور است حق تحصیل سود ناشی از فروش حامل اثر است. بر این اساس قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری هیچ انطباقی با مباحات ندارد.

۵. میراث مشترک بشریت^۲

این اصطلاح در ابتدا در حوزه حقوق دریاها و در خصوص تنازع بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه راجع به معادن موجود در اعماق دریاها مطرح شده است. به گواه تاریخ، انگلیس معتقد بود که دریا مالی است بلاصاحب که هر کشوری می‌تواند آن را تصاحب نماید. این دیدگاه منجر به این شده بود که کشور انگلیس مدعی مالکیت کلیه آبهای اطراف جزیره انگلیس شود. این تئوری منتسب به «جان سلدن»^۳ حقوقدان همین کشور است.

در نهایت با توجه به این که علی‌رغم اشتراک کشورها در آب‌های آزاد و منابع معدنی موجود در اعماق آنها، نابرابری کشورها در بهره برداری از تکنولوژی موجب نابرابری آنها در استفاده از این منابع می‌شد و در نتیجه به وجود آمدن این دیدگاه که اموالی که به هیچ کس تعلق ندارد متعلق به کسانی است که تکنولوژی تملک آن را دارند منجر به پیشنهاد آقای

دولتی دارد حق مداخله در قلمرو عمومی را ندارد. به طور مثال دولت نمی‌تواند به بهانه مصالح عمومی آثار موجود در قلمرو عمومی را به نفع خود مصادره نماید. به علاوه آنکه استفاده از آثار قلمرو عمومی بر خلاف اموال دولتی تنها در دسترس دولت نبوده و از این حیث تفاوتی میان دولت و عموم افراد وجود ندارد. (وحید، ۱۳۹۰: ۱)

۳. انفال

انفال جمع نَفْل یا نَفْل معنی بخشش را می‌دهد و غنائمی که در میدان جنگ و نبرد بدست مسلمانان می‌آید را نیز انفال می‌گویند. (شمس، ۱۳۸۹: ۲۶)

همچنین در جای دیگری آمده است: «در لغت به معنی زیاده، امتیاز، سود و ربح است. انفال یعنی اضافی‌ها و زیاده‌ها.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ش ۲۲۸ و ۲۶۱۰)

در مورد اشتراک و تفاوت انفال و فیء باید گفت، اشتراک آنها این است که هر دو اموالی است که برای ارزش کردن آن احتیاج به کارهای اصلاحی دارد و تفاوت آنها این است که اگر با قهر و غلبه باشد، انفال است و اگر بدون قهر و غلبه باشد به آن فیء می‌گویند.

در اینجا با این پرسش مواجهیم که آیا قلمرو عمومی را می‌توان جزو انفال دانست. انفال یک اصطلاح فقهی است و فقها تقریباً بر مصادیق آن اجماع دارند. لذا به نظر می‌رسد اضافه نمودن مصداقی جدید به مصادیق آن غیر ممکن باشد. نکته دیگر آنکه این اموال را در اختیار ولی فقیه می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۵۴) این در حالی است که آثار موجود در قلمرو عمومی تحت اختیار هیچکس نمی‌باشند. نظر به موارد مذکور انطباق آثار موجود در قلمرو عمومی با انفال امری غیر ممکن است.

۴. مباحات^۱

در تعریف مباحات بهترین منبع، قانون مدنی است. ماده ۲۷ این قانون در تعریف مباحات اشعار می‌دارد: «اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آنها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه آنها تملک کرده و یا از آنها استفاده کنند مباحات

2. Common Heritage of Mankind
3. John Selden Roane (1817-1867)

۱. می‌توان این اصطلاح را معادل Res Nullius در حقوق روم دانست.

پاردو^۱ مبنی بر شناختن آب‌های آزاد به عنوان میراث مشترک بشریت شد. (شریف، ۱۳۷۸: ۱۳۸) به نظر می‌رسد این، اولین باری است که این اصطلاح در ادبیات حقوقی مطرح شده است. مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۲۷۵۴ خود آورد: «تا زمان تاسیس نظام بین‌المللی و تشکیلات مقتضی اولاً: دولتها و افراد حقیقی یا حقوقی موظفند که از دست زدن به هر عملی برای بهره‌برداری از منابع بستر دریاها و کف اقیانوسها و زیر کف آن خودداری کند. ثانیاً: هیچ‌گونه ادعایی بر منافع فوق و منابع آن به رسمیت شناخته نمی‌شود.» این قطعنامه با ۶۲ رای موافق، ۲۸ رای مخالف و ۲۸ رای ممتنع به تصویب رسید. در سال ۱۹۷۰ نیز قطعنامه دیگری به شماره ۲۷۴۹ موسوم به «اعلامیه اصول حاکم بر بستر دریا و کف اقیانوس و زیر بستر دریا در ماوراء حدود صلاحیت ملی»^۲ با ۱۰۸ رای موافق، ۱۴ رای ممتنع و بدون رای مخالف به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در متن این قطعنامه آمده است: «بستر دریا و کف اقیانوس و زیر بستر خارج از محدوده صلاحیت ملی و همچنین منابع منطقه، میراث مشترک بشریت است.» این قطعنامه را می‌توان گامی اساسی در پیدایش عرف بین‌المللی در شناخت نهاد "میراث مشترک بشریت" به شمار آورد.

به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین نهاد موجود به نهاد قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری همین نهاد میراث مشترک بشریت است. زیرا قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری همچون میراث مشترک بشریت، اولاً متعلق به همه اینای بشر است و همه افراد از حقوق مساوی در آن برخوردارند. فلذا به طور مثال همه افراد بشری فارغ از هر دین و مذهبی، از حقوق مساوی برای بهره‌گیری از کتب آسمانی برخوردارند. همچنین مردم همه دنیا فارغ از هر زبان و گویشی، از حقوق مساوی در برخورداری از آثار ادبی موجود در قلمرو عمومی برخوردارند. حتی اگر با زبان آن اثر بیگانه باشند. شاید بر همین مبنا است که گفته می‌شود قلمرو عمومی متعلق به هیچ‌کس نیست و متعلق به همه است. همچنین از دیگر موارد شباهت قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری و میراث مشترک بشریت این است که هیچ‌کدام قابل تملک خصوصی نیست لکن توسط همه قابل استفاده است.

Peukert, 2016: 10) البته این بدان معنا نیست که همه بر این دسته از اموال مالکیت دارند. چنان که گروسوس پس از تبیین اینکه اشیایی وجود دارند که هر فرد به صورت مشترک می‌تواند از آن بهره‌مند شود، اشعار می‌دارد: «مشترک به معنای فقدان مالکیت است و نه مالکیت توسط همه.» (دراوس، ۱۳۹۱: ۱۳۴) نتیجه آنکه بر اساس موارد فوق قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری مفهومی فرازمانی و فرامکانی است. به این معنا که این نهاد، محدود به زمان و مکانی خاص نبوده و در همه زمان و همه مکان قابل استناد می‌باشند. همچنین قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری بر خلاف اموال دولتی و اموال عمومی و البته همانند میراث مشترک بشریت مفهومی فرادولتی است که دولت و حکومت هیچ نقشی در تغییر ماهیت آن ندارند. همچنین بر اساس موارد فوق الذکر می‌توان گفت قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری از جمله حقوق طبیعی و فراقانونی است. با این توضیح که همانند میراث مشترک بشریت برای بهره‌گیری از این اموال نیازمند تصویب قانون و معاهده نیستیم بلکه قانون تنها می‌تواند مصادیق آن را مشخص نماید. بر همین مبنا کارلا آلیسون هسه^۳ از قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری با عنوان دسترسی دموکراتیک به میراث فرهنگی^۴ یاد نموده است. (Ginsburg, 2006: 19)

نکته آخر اینکه، این حق قابل اسقاط نیست. لذا هیچ قوم و گروه و فردی نمی‌توانند حقی را که بر قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری دارند را اسقاط نمایند و این وجه تشابه دیگر دو نهاد مورد بحث است.

با بررسی این دو مفهوم حقوقی و با توجه به مشابهت‌های موجود بین این دو، می‌توان قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری را به عنوان یکی از زیر شاخه‌های میراث مشترک بشریت دانست. مباحث پیش گفته، موید این نظر است. (دراوس، ۱۳۹۱: ۲۰۲)

مصادیق قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری

بی‌تردید شناخت هر چه بهتر قلمرو عمومی نیازمند شناخت نظام‌های گوناگون حمایتی مالکیت فکری است. در این راستا باید نظام‌های حمایتی مالکیت فکری را شناسایی نموده و سپس استثنائات چترهای حمایتی مالکیت فکری را استخراج

به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین نهاد موجود به نهاد قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری همین نهاد میراث مشترک بشریت است. زیرا قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری همچون میراث مشترک بشریت، اولاً متعلق به همه اینای بشر است و همه افراد از حقوق مساوی در آن برخوردارند. فلذا به طور مثال همه افراد بشری فارغ از هر دین و مذهبی، از حقوق مساوی برای بهره‌گیری از کتب آسمانی برخوردارند. همچنین مردم همه دنیا فارغ از هر زبان و گویشی، از حقوق مساوی در برخورداری از آثار ادبی موجود در قلمرو عمومی برخوردارند. حتی اگر با زبان آن اثر بیگانه باشند. شاید بر همین مبنا است که گفته می‌شود قلمرو عمومی متعلق به هیچ‌کس نیست و متعلق به همه است. همچنین از دیگر موارد شباهت قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری و میراث مشترک بشریت این است که هیچ‌کدام قابل تملک خصوصی نیست لکن توسط همه قابل استفاده است.

3. Carla Alison Hesse (1956)

4. Democratic Access to a Common Cultural Inheritance.

1. Arvid Pardo (1914-1999)

2. Declaration Of Principles Governing The Sea-Bed And Ocean Floor, And The Subsoil Thereof, Beyond The limits Of National Jurisdiction.

دستورالعمل مذکور آمده است: «... ایده‌ها و اصولی که مبنای هر عنصر از برنامه‌های رایانه‌ای هستند ... توسط حق مولف مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.»

عدم حمایت از ایده‌ها، به وفور در رویه قضائی کشورهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. به طور مثال در دعوی امریکائی بیکر بر علیه سلدن^۵ قاضی آنچه به عنوان ایده صرف است را به عنوان حق انحصاری پدیدآورنده نپذیرفت. در دعوی میزر بر علیه استین^۶ دادگاه عالی اعلام داشت: «حمایت تنها به ارائه (تصریح) ایده تعلق می‌گیرد نه خود ایده». در دعوی انگلیسی دانوق بر علیه انجمن روزنامه‌های محدود^۷ عنوان شده است تنها در صورتی که شخصی به ایده‌ای جامه می‌پوشاند خواه با کلمات، تصاویر و... مستحق کپی رایت است. همچنین در دعوی دیگری در حقوق استرالیا^۸ قاضی با طرح یک مثال به عدم قابلیت حمایت از ایده‌ها اشاره می‌کند. مثال مطروحه چنین است که اگر کسی برای اولین بار، افتادن شخصی از اتوبوس را تصویر برداری کند، گرچه آن تصویر مشمول حمایت است لکن صاحب اثر به استناد حق تقدم نمی‌تواند سایرین را از تصویربرداری منع کند.

علت غیر قابل حمایت بودن ایده‌ها آن است که ایده یک فرد تا به منصفه ظهور نرسیده حیطه نامحدود و نامشخصی دارد و حمایت از آن غیر ممکن است به علاوه نفعی از ایده‌ها به جامعه نمی‌رسد که صاحب ایده بخواهد مطالبه حمایت از ایده خود را بکند.

نکته قابل توجه در اینجا اینکه مرز بین ایده و اجرا گاهی از اوقات بسیار ظریف بوده بر این اساس همیشه تشخیص آن به سادگی ممکن نیست. (زرکلام، ۱۳۸۷: ۲۹ و کلمبه، ۱۳۸۵: ۲۸)

۲. آثاری که دوره حمایتشان به انقضاء رسیده است

در حقوق مالکیت کلاسیک، دوام را به عنوان یکی از عناصر مالکیت آورده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۰۴) این خصوصیت یکی از مهمترین تفاوت‌های بین مالکیت سنتی و مالکیت‌های فکری می‌باشد. بر این اساس آثار فکری پس از اتمام دوره حمایتشان وارد قلمرو عمومی می‌شوند.

در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری بند ۱ ماده ۷

کنیم. بدیهی است از آنجا که اصل بر عدم حمایت است شاید در نگاه اول تلاش برای معرفی آثار غیر قابل حمایت، عملی عبث و بیهوده به نظر برسد. (Peukert, 2016: 12) فلذا آنچه یقینی است غیر ممکن بودن ارائه فهرستی کامل از آثار غیر قابل حمایت است. همانطور که ارائه فهرستی کامل از افعال مباح در حقوق کیفری غیر ممکن به نظر می‌رسد. لکن برای ورود به بحث و معرفی هر چه بهتر قلمرو عمومی، ناچار از معرفی برخی از مصادیق آن هستیم. لذا در این قسمت به بیان برخی از مصادیق قلمرو عمومی به صورت نمونه می‌پردازیم.

۱. ایده‌ها

طبق یک اصل شناخته شده در حقوق مالکیت ادبی و هنری ایده‌ها قابل حمایت نیستند. لذا گفته می‌شود تنها آثاری قابل حمایت هستند که نمود خارجی پیدا کرده‌اند. از این اصل به عنوان یک اصل راهبردی در حقوق مالکیت ادبی و هنری یاد می‌شود. (زرکلام، ۱۳۸۷: ۲۹) از این روست که مرز حمایت از آثار در حقوق مالکیت فکری را آثاری می‌دانند که بروز بیرونی یافته‌اند. از این تفکیک با عنوان دوگانگی ایده-ظهور^۱ یاد می‌شود. این مرز تا جایی ادامه دارد که حتی اگر شخصی از ایده‌ای که سازنده یک اثر بوده است استفاده کند و اثری نو خلق کند ناقض حق مولف نمی‌باشد.^۲

در این خصوص بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون برن ۱۸۸۶ با بیانی غیر الزام آور اظهار می‌دارد: «قانونگذاران کشورهای اتحادیه می‌توانند مقرر کنند که حمایت از آثار ادبی و هنری مشروط به این است که در یک قالب مادی تجلی یافته باشند.» همچنین ماده ۲ معاهده کپی رایت سازمان جهانی مالکیت فکری^۳ تصریح می‌کند که کپی رایت از بیان حمایت نموده و ایده‌ها را حمایت نمی‌کند. ماده ۹ تریپس نیز اظهار می‌دارد اظهارات قابل حمایت هستند نه ایده‌ها. در نظام حقوقی اتحادیه اروپا نیز دستورالعمل حمایت حقوقی از برنامه‌های رایانه‌ای^۴ به صراحت ایده‌ها را قابل حمایت نمی‌داند. در بند ۲ ماده ۱

1. Idea – Expression Dichotomy

۲. تفکیک فوق در بند ۲ ماده ۹ موافقت نامه تریپس، ماده ۲ معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب ۱۹۹۶ و ماده ۲ WCT آمده است.

3. Wipo Copyright Treaty (WCT) 1996

4. Directive 91/250/EC Of The European Parliament And Of The Council Of 14 may 1991 on the legal protection of computer program

5. Baker v. Selden, 101 U.S. 99 (1879)

6. Mazer v. Stein, 347 U.S. 201 (1954)

7. Donoghue v. Allied Newspapers Limited (1938)

8. Victoria Park Racing & Recreation Grounds Co Ltd v Taylor (1937)

بودن افرادی است که مستحق حمایت از این آثار هستند. البته استثناهای این قاعده دانش‌های سنتی و نمودهای فرهنگ عامه (فولکلور) هستند که اگرچه پیش از بوجود آمدن نظام‌های حمایتی حقوق مالکیت فکری بوجود آمده‌اند لکن قانونگذار تحت شرایطی این آثار را قابل حمایت دانسته است.

۴. علائم تجاری عام^۹:

برخی از علائم تجاری به لحاظ عام بودن قابل ثبت نمی‌باشند. منظور از این دسته از علائم، نشانیهایی است که جنبه عمومی داشته و عنصر متمایز کننده بودن^{۱۰} در آنها دیده نمی‌شود. لذا عنوان تجاری همچون دستمال کاغذی کلینکس اگرچه در ابتدا به عنوان یک علامت تجاری مورد حمایت بوده است لکن به دلیل عمومی شدن آن برای محصول دستمال کاغذی، به عنوان یک علامت تجاری قابل ثبت نمی‌باشد. همچنین می‌توان به علامت تجاری گرامافون اشاره کرد که ابتدا یک علامت تجاری بود لکن بعداً به عنوان نام عمومی برای دستگاه پخش موسیقی بدل شد. مثال دیگر برای این مورد زیراکس میباشد که اگرچه در ابتدا یک علامت تجاری بود لکن بعداً به نامی عمومی برای عمل نسخه برداری تبدیل شد. (شمس، ۱۳۸۲: ۷۷)

۵. پایگاه‌های داده^{۱۱}

پایگاه داده به مجموعه‌ای از اطلاعات اطلاق می‌شود که ناظر به موضوعاتی خاص بوده و قابل دسترس می‌باشند. به طور مثال مجموعه‌های آثار موسیقی یا مجموعه نقشه‌های معماری یا مجموعه قوانین را که جمع آوری شده‌اند را می‌توان به عنوان پایگاه داده دانست.

در نظام حقوقی ایران پایگاه‌های داده مورد حمایت قرار نگرفته‌اند. اگر چه برخی از حقوقدانان سعی داشته‌اند این دسته از محصولات را تحت نظام حق مولف قابل حمایت بدانند لکن چنین تلقی درست به نظر نمی‌رسد زیرا مصادیق آثار قابل حمایت در قوانین حمایتی تصریحی بوده و پایگاه‌های داده با هیچ یک از این آثار قابل تطبیق نمی‌باشد. (زرکلام، ۱۳۹۱: ۳)

مهم‌ترین دلیل عدم حمایت از این آثار را می‌توان عدم وجود عنصر خلاقیت در این دسته از آثار دانست. استدلالی که

کنونسیون برن حداقل مدت حمایت را ۵۰ سال از زمان مرگ پدیدآورنده می‌داند. لکن مدت حمایت از این دسته از آثار در اتحادیه اروپا ۷۰ سال می‌باشد.^۱ این دوره حمایتی در ایالات متحده^۲ و استرالیا^۳ ۷۰ سال و در کانادا^۴ ۵۰ سال می‌باشد. بر اساس ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ مدت حمایت از حقوق مادی آثار ادبی و هنری ۵۰ سال است.^۵

در خصوص حمایت از اختراعات، ماده ۳۳ تریپس^۶ و بند اول ماده ۶۳ کنوانسیون اروپایی اختراعات^۷ مدت حمایت را ۲۰ سال می‌داند.

مدت اعتبار پروانه اختراع بر اساس ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۲۰ سال است که پس از انقضای مدت‌های مذکور اثر به قلمرو عمومی منتقل می‌شود.

لازم به ذکر است در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری، حقوق معنوی^۸ اثر نامحدود بوده و تنها حقوق مادی ناشی از اثر است که پس از دوره‌های حمایتی مشخص شده در قانون به اتمام می‌رسد.

۳. آثاری که پیش از بوجود آمدن مقررات حمایتی مالکیت فکری خلق شده‌اند:

برخی از آثار و محصولات فکری در دورانی بوجود آمده‌اند که هنوز نظام حمایتی حقوق مالکیت فکری وجود نداشته است. این آثار جزو آثار موجود در قلمرو عمومی تلقی شده و قابل حمایت نمی‌باشند.

بدیهی است علت عدم حمایت از این آثار جدای از عطف به ماسبق نشدن قوانین حمایتی تا حد زیادی به دلیل ناشناخته

1. Directive 2006/116/EC of The European Parliament And Of The Council Of 12 December 2006 on the term of protection of copyright and certain related rights.

2. Article 302 of Copyright Act U.S 1978

3. Article 33 of Copyright Act 1968

4. Article 6 of Copyright Act Canada 1985

۵. مدت حمایت از آثار ادبی و هنری ۳۰ سال بود که با تصویب ماده واحده «قانون اصلاح ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸» که در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۳۱ تصویب شد مدت حمایت به ۵۰ سال افزایش یافت.

6. The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

7. European Patent Act (Munich) 5 October 1973

8. Moral Rights

9. Generic

10. Distinctive

11. Database

حساسیت موضوع درمان، حمایت از این روش‌ها موجب محدودیت در دسترسی متصدیان درمان می‌گردد. به عبارت دیگر پزشک معالج به منظور درمان هرچه بهتر بایستی به آخرین وسائل و متدهای درمانی دسترسی داشته باشد. نکته قابل تامل دیگر آنکه حمایت حقوقی از روش‌های درمان بی‌تردید منجر به بالا رفتن هزینه درمان خواهد شد. بعلاوه اعطای حق انحصاری به مبدع یک روش در عرصه بهداشت، تشخیص یا درمان و جراحی بیماری‌ها ممکن است این خطر را به همراه داشته باشد که دارندگان این حق با سوءاستفاده از این حق سلامت جامعه را به خطر اندازند. (شیخی، ۱۳۸۵: ۷۳)

در این خصوص قسمت اول بند ۳ ماده ۲۷ تریپس کشورها را در عدم حمایت از «...روش‌های تشخیص، درمان و جراحی برای مداوای انسان و حیوان...» مخیر دانسته است. همچنین ماده (۴) ۵۲ کنوانسیون اروپایی اختراعات با توجه به عدم کاربرد صنعتی، روش‌های درمانی را از حیطه اختراعات استثناء نموده است.

در این خصوص بند ۲ ماده ۲۸ قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ روش‌های درمان را از شمول حمایت مستثنی کرده بود، که این امر عیناً در بند ج ماده ۴ قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ تکرار شد. بدیهی است که امکان حمایت از این شیوه‌ها تحت نظام اسرار تجاری یا اسرار حرفه‌ای وجود دارد.

لازم به ذکر است روش‌های درمان بیماری‌ها در برخی کشورها از قبیل ایالات متحده، اتریش و استرالیا قابل ثبت هستند. (بزرگی و فتحی زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۶)

۸. اطلاعات عمومی نظیر قوانین، آئین‌نامه‌ها و تصمیمات قضایی (Samuelson, 2003: 151)

بی‌تردید ارتباط مستقیم این دسته از اطلاعات با نظم عمومی و مصالح عامه، غیر قابل حمایت بودن این آثار را توجیه می‌نماید. در این باره، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در بند ج ماده ۱ خود، مصادیق فوق را تحت عنوان اطلاعات عمومی آورده است. (انصاری، ۱۳۹۱: ۵)

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این مقاله سعی شد روی دیگر حقوق مالکیت فکری یعنی آثار غیر قابل حمایت که با عنوان قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری شناخته می‌شوند مورد بررسی قرار گیرد. بی‌تردید

در پرونده انتشارات فیست بر علیه خدمات تلفن روستایی^۱ مورد استناد دادگاه عالی ایالات متحده به کار رفت. (Dagan, 2005: 7)

بدیهی است اگر این دسته از آثار صرفاً جمع‌آوری نباشد و دارای ما به ازایی باشد که توسط شخص جمع‌آوری کننده به آثار فوق افزوده شده باشد می‌تواند قابل حمایت باشد. مثل موردی که محقق علاوه بر جمع‌آوری نمودن مقالاتی در حوزه‌ای خاص نقد خود را بر آن مقالات افزوده باشد. همچنین است موردی که شخصی علاوه بر جمع‌آوری آثاری مکتوب در یک زمینه، آن آثار را ترجمه نموده باشد.

لازم به ذکر است پایگاه‌های داده در برخی از کشورها مورد حمایت می‌باشند. (زرکلام، ۱۳۹۰: ۴) در این خصوص می‌توان به دستورالعمل اروپایی مورخ ۱۱ مارس ۱۹۹۶ راجع به حمایت حقوقی از پایگاه‌های داده اشاره کرد.

۶. اکتشافات

شاید بتوان دلیل عدم حمایت از اکتشافات را فقدان عنصر خلاقیت و تلاش فکری در آن دانست.

ماده ۲، ۸ کتاب راهنمای وایپو اکتشافات، مصالح و موادی را که قبلاً در طبیعت موجود بوده‌اند را در نظام اختراعات غیر قابل ثبت دانسته است.

در این خصوص، بند الف ماده ۴ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، اکتشافات را تحت نظام اختراعات غیر قابل ثبت دانسته است. مرسوم است که اکتشافات را به عنوان میراث مشترک بشریت به شمار می‌آورند. البته بدیهی است حقوق مادی اثر به عنوان یک تلاش مادی بایستی رعایت گردد.

لازم به ذکر است اکتشافات طبق ماده ۲۶ قانون ۱۳۱۰ قابل حمایت بودند و این مسئله از تفاوت‌های قانون قدیم و جدید کشورمان در حوزه حمایت از مالکیت‌های صنعتی است. (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۲۷)

۷. روش‌های درمان بیماری‌ها

شاید بتوان عدم وجود جنبه خلاقیت فکری و فنی بودن صرف این اعمال از یک سو و عدم کاربرد صنعتی این روش‌ها، از سوی دیگر را دلیل عدم حمایت دانست. همچنین با توجه به

1. Feist Publications, Inc. V. Rural Telephone Service (1991)

شناخت هرچه بهتر این دسته از آثار و متعاقباً دلایل عدم حمایت از آن‌ها بیانگر نگاه قانونگذاران در حمایت از حقوق مالکیت فکری است. به عبارت دیگر وجود استثنائات متعدد در حمایت از آثار فکری بیانگر پذیرش برخی از نظرات مخالفین حقوق مالکیت فکری نیز می‌باشد. از سوی دیگر به دلیل جدید بودن و عدم بررسی گسترده پیرامون قواعد حاکم بر نهاد قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری تنها راه حل برای شناخت بهتر مقررات و اشتراکات این دسته از آثار مقایسه با نهادهای مشابه است. با مقایسه قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری با نهادهای مشابه شامل اموال عمومی، اموال دولتی، انفال، مباحات و میراث مشترک بشریت دریافتیم با توجه به خصیصه فرازمانی و فرامکانی قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری به میراث مشترک بشریت شباهت بیشتری دارد. در نهایت برخی از مهمترین مصادیق معرفی شد. برخی از مصادیق عنوان شده در نظام‌های حقوقی گوناگون به عنوان آثار غیر قابل حمایت می‌باشند، که این امر گویای زیربنای نظری مستحکم به منظور عدم حمایت از این آثار است. در حالیکه برخی دیگر از آثار تنها در برخی از نظام‌های حقوقی قابل حمایت نیستند. نتیجه آنکه شناخت هرچه بهتر این دسته از آثار در کنار آثار مورد حمایت از یک سو و مبانی نظری هر دو دسته از آثار از سوی دیگر می‌تواند منجر به ایجاد نظام‌های حمایتی با حداکثر کارایی گردد.

پیشنهاد می‌گردد اولاً؛ افزایش دوره حمایتی و گستره حمایتی از مخلوقات فکری تنها به استناد حمایت از منافع عمومی ممکن بوده و منجر به عدم ایجاد توازن بین حقوق اقلیت پدیدآورندگان و اکثریت مصرف کنندگان این آثار نگردد. ثانیاً؛ برخی اصول حمایتی برای آثار موجود در قلمرو عمومی آفرینش‌های فکری رعایت شوند به طور مثال بانک جامعی از آثار خارج از حیطه حمایت حقوق مالکیت فکری ایجاد گردیده و این آثار به صورت بر خط برای عموم مردم به سهولت قابل دسترسی باشد، سوء استفاده از آثار مشمول قلمرو عمومی و مطالبه حقوق انحصاری برای این دسته از آثار و البته استفاده دروغین از علائم و جملاتی که برخلاف واقع حقوق انحصاری در این دسته آثار را القا می‌کنند، جرم انگاری شده شیوه‌هایی برای جبران خسارت افرادی که از رهاورد این تقلب متضرر شده‌اند پیش‌بینی شود. ثالثاً؛ نهادهای ذریبط به منظور اعطای حقوق انحصاری، دارندگان این حقوق را مکلف کنند پس از انقضای دوره حمایتی، اثر را برای استفاده عموم، در دسترس قرار دهند و این تعهد به عنوان شرط اعطای حقوق انحصاری،

به دارندگان آن تحمیل گردد.

منابع

- انصاری، باقر (۱۳۹۱-۱۳۹۰). تقریرات درس حقوق اطلاعات، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، گروه حقوق مالکیت فکری، نیمسال اول.
- بزرگی، وحید و فتحی زاده، امیرهوشنگ (۱۳۸۳). *بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول
- جعفری تبار، حسن (۱۳۸۶). «ملک معنی در کنار؛ گفتاری در فلسفه حقوق مالکیت فکری»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، سال ۳۷، شماره ۲، صص ۸۲-۴۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، کتابخانه گنج دانش. جلد اول، چاپ سوم
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۹). *ترمینولوژی حقوق*. کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم
- خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۶). *مالکیت عمومی*. انتشارات تولید کتاب (تک)، چاپ چهارم
- خدمتگزار، محسن (۱۳۹۰). *فلسفه مالکیت فکری*. نشر میزان، چاپ اول
- دراغوس، پیتر (۱۳۹۱). *فلسفه مالکیت فکری*. ترجمه محمود حکمت‌نیا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
- رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۶). *فرهنگ حقوقی مجد*. انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ هفتم
- زرکلام، ستار (۱۳۸۷). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. انتشارات سمت، چاپ اول
- زرکلام، ستار (۱۳۹۱-۱۳۹۰). «جزوه حقوق نرم‌افزارها»، *دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، نیمسال اول.
- ساعی، احمد و گیاه‌شناس، جواد (۱۳۸۸). «بررسی تاثیر حقوق مالکیت فکری بر روابط شمال-جنوب»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج*، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۳۸-۱۰۱.
- شریف، محمد (۱۳۷۸). «میراث مشترک بشریت و وصف آن به عنوان قاعده آمره»، *پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه علامه طباطبائی*، سال اول، شماره ۱، صص ۱۸۲-۱۳۵.
- شمس، احمد (۱۳۸۹). *نظام حقوقی اراضی ملی* شده. نشر دادگستر، چاپ چهارم.
- شمس، عبدالحمید (۱۳۸۲). *حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی*. انتشارات سمت، چاپ اول

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *حقوق مدنی اموال و مالکیت*. نشر میزان، چاپ چهاردهم.

کشاورز، بهمن (۱۳۶۶). *فرهنگ انگلیسی به فارسی کشاورز*. انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.

کلمبه، کلود (۱۳۸۵). *اصول بنیادین حق مولف و حقوق مجاور* در جهان. ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی. تهران: نشر میزان، چاپ اول.

میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۵). *فرهنگ حقوق مالکیت معنوی*. تهران: نشر میزان. جلد دوم (حقوق مالکیت ادبی و هنری). چاپ اول.

میرحسینی، سیدحسن (۱۳۸۷). *حقوق اختراعات*. تهران: نشر میزان، چاپ اول.

وحید، هادی (۱۳۹۰-۱۳۹۱). «تقریرات درس مبانی نظری مالکیت فکری»، *دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، گروه حقوق مالکیت فکری، نیمسال اول.

شهید ثانی (۱۳۸۶). *تحریر الروضه فی الشرح للمعه*. نقد و تفسیر از علیرضا امینی و محمدرضا آیتی، جلد اول، چاپ دهم، انتشارات سمت و موسسه فرهنگی طه.

شیخی، مریم (۱۳۸۵). «چالش‌های حقوق مالکیت فکری در حوزه سلامت»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۸۲-۶۱.

صفایی، سیدحسین (۱۳۸۶). *حقوق مدنی اشخاص و اموال*. نشر میزان، چاپ ششم.

قانون اصلاح ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ (۱۳۸۹).

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۸).

قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری (۱۳۸۶).

قانون ثبت علائم و اختراعات (۱۳۱۰) (منسوخ).

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸).

قانون مدنی (۱۳۰۷).

Baker v. Selden, 101 U.S. 99 (1879).

Berne Convention For The Protection of Literary And Artistic Work, 9 September 1886.

Birnhack Michael D. (2006). "More or Better? Shaping The Public Domain, published in "The Future Of The Public Domain", *Kluwer Law International Publication*, pp 59-86.

Boyle, James (2003). "The Opposite of Property?", *Law And Contemporary Problems Journal*, Number 1 & 2, Volume 66, pp 1-32.

Boyle, James (2003). "The Second Enclosure Movement and The Construction of The Public Domain", *Law And Contemporary Problems Journal*, Number 1 & 2, Volume 66, pp 42-54.

Cohen, Julie E. (2006). "Copyright, Commodification, and Culture: Locating the Public Domain, published in "The Future of The Public Domain", *Kluwer Law International Publication*, pp. 121-166.

Copyright Act of Australia 1968.

Copyright Act of Canada 1985.

Copyright Act of U.S 1978

Dagan, Hanoch (2005). "Property and the Public Domain", *Forthcoming in 17(3) YALE J. L. & HUMANITIES*, pp 1-11.

Directive 2006/116/EC of The European Parliament And Of The Council Of 12 December 2006 on the term of protection of copyright and certain related rights.

Directive 91/250/EC of The European Parliament and of The Council Of 14 may 1991 on the legal protection of computer program.

Directive 96/9/EC of The European Parliament and of The Council of 11 March 1996 on the legal protection of databases.

Donaldson V. Becket, 1 Eng.Rep.837 (1774).

Donoghue V. Allied Newspapers Limited (1938).

European Patent Act (Munich) 5 October 1973.

Feist Publications, Inc. V. Rural Telephone Service (1991)

German Federal Supreme Court Case I ZR

- 111/63, BGHZ 44, 288 – Apfel-Madonna (1965).
- Ginsburg, Jane (2006). "Une Chose Publique"? The Author's Domain And The Public Domain in Early British", *French and US Copyright Law, Columbia Law School*, pp 1-30
- Guibault, Lucie (2006). "Wrapping Information in Contract: How Does it Affect the Public Domain?", published in "The Future of The Public Domain", *Kluwer Law International Publication*, pp 87-104.
- Halbert, Debora J. (2005). *Resisting Intellectual Property*. Routledge Publication, First Published.
- Koelman, Kamiel J. (2006). "The Public Domain Commodified: Technological Measures and Productive Information Use, published in "The Future of The Public Domain", *Kluwer Law International Publication*, pp 105-120.
- Mazer v. Stein, 347 U.S. 201 (1954)
- Mazzone, Jason, (2006). "Copyfraud", *New York University Law Review*, pp 1026-1100
- Millar v. Taylor, 98 Eng. Rep. 201, 252 (1769).
- Peukert, Alexander (2016). "A Doctrine Of The Public Domain", *Research Paper of the Faculty of Law of the Goethe University Frankfurt*.
- Rose, Carol M. Romans (2003). "Roads, And Romantic Creators: Traditions of Public Property In The Information Age", *Law And Contemporary Problems Journal*, Number 1 & 2, Volume 66, pp 89-110.
- Rose, Mark (2003). "Nine-tenths Of The Law: The English Copyright Debates And The Rhetoric Of The Public Domain", *Law And Contemporary Problems Journal*, Number 1 & 2, Volume 66, pp 75-87.
- Salzberger, Eli M. (2006). "Economic Analysis of The Public Domain, published in "The Future Of The Public Domain", *Kluwer Law International Publication*, pp 27-58.
- Samuelson, Pamela (2003). "Mapping The Digital Public Domain: Threats And Opportunities", *Law And Contemporary Problems Journal*, Number 1 & 2, Volume 66, pp 147-171.
- Samuelson, Pamela (2006). "Challenges In Mapping The Public Domain, published in "The Future of The Public Domain", *Kluwer Law International Publication*, pp 7-26.
- The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).
- Victoria Park Racing & Recreation Grounds Co Ltd v Taylor (1937).
WIPO Intellectual Property Handbook.

COPYRIGHTS



© 2022 by the Authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)